



بیمه‌شدگان، طلبش از دولت، سودش از سمت شستا و ... است که هر سال به سختی کفاف هزینه‌اش را می‌دهد. سازمان تأمین اجتماعی یکی از بهترین صندوق‌های ماست و نسبت پشتیبانی یک به شش دارد. اگر قرار باشد تمام درآمدش را صرف پرداخت به بازنشسته‌هایش کند، عملاً ماهیت سرمایه‌گذاری از بین می‌رود؛ یعنی فردی که الان بیمه شده است، سرمایه‌اش سرمایه‌گذاری نمی‌شود که در آینده بتواند از آن محل تأمین زندگی کند، بلکه صرف پرداخت به بازنشستگان کنونی می‌شود و فرد از ماهیت سرمایه‌گذاری خارج می‌شود و صرفاً پرداخت‌کننده حقوق بازنشستگان می‌شود. همین مشکلات عیناً در صندوق بازنشستگی شهرداری، صندوق بازنشستگی فولاد و هر صندوق دیگری که نگاه کنید وجود دارد. طبق آمار دیگری که به‌دست آوردیم، متوجه شدیم که در سال ۸۴ ما ۲۰٫۸ درصد از بودجه کشوری را به صندوق‌های بازنشستگی پرداخت می‌کردیم. همین رقم در سال ۹۳ به ۱۴ درصد افزایش پیدا کرد که این ۱۴ درصد فقط به صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشکری پرداخت می‌شد و صندوق تأمین اجتماعی هنوز به مرحله گرفتن پول از دولت نرسیده است. جالب آنجاست که این دو صندوق بازنشستگی تقریباً به اندازه کل بودجه طرح‌های عمرانی دولت از دولت بودجه گرفته‌اند و طبق محاسبات ما این رقم در سال ۱۴۰۰ به ۲۸ درصد از بودجه دولت افزایش پیدا خواهد کرد. ما برآورد کردیم اگر صندوق تأمین اجتماعی با همین روند پیش برود و تعداد بازنشستگانش زیاد شود، بدون اصلاحی در سیستم‌های مالی، دولت مجبور است به این صندوق‌ها نیز کمک کند و رقم ۲۸ درصد بودجه به ۴۰ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. چون تعداد زیادی از بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی در زمان دولت‌های نهم و دهم، بیمه‌شدگان حمایتی هستند که بدون سهم درست بیمه‌ای، تحت پوشش بیمه درآمده‌اند و از جانب بسیاری از این بیمه‌شدگان پولی وارد صندوق نمی‌شود؛ اما تعهدات صندوق به آنها پابرجاست. این در حالی است که بودجه دولت به‌سختی کفاف

همه به دنبال این هستند که حداکثر میزان از صندوق‌ها بهره‌برداری کنند؛ در عین حال که حداقل پرداخت را به صندوق‌ها انجام می‌دهند. خود بخش کارگری که باید بیشتر از هر قشری از این صندوق‌ها حمایت کند همیشه بیشترین ضربه را به این صندوق‌ها وارد کرده است

خرج‌های خودش را می‌دهد. حال اگر دولت مجبور شود نزدیک به نصف بودجه خودش را صرف پرداخت کسری این صندوق‌ها کند، دیگر بحرانی بزرگ‌تر از این برای کشور نمی‌توان متصور بود. ضمن اینکه حقوق پرداختی به بازنشستگان حقوقی نیست که کفاف زندگی آنها را بدهد؛ یعنی فردی با هر مدرک تحصیلی که ۲۰ سال است بازنشسته شده است، الان با حقوق ماهی یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان به سختی می‌تواند خرج زندگی‌اش را تأمین کند؛ در حالی که در زمان اشتغالش به راحتی می‌توانسته با حقوقش زندگی کند. این صندوق‌ها در سطح جهانی براساس سه شاخص ارزیابی می‌شوند: ۱) کفایت؛ که حقوق فرد بازنشسته تا چه اندازه کفاف زندگی‌اش را می‌دهد. ۲) پایداری؛ اینکه حقوق فرد تا چه مدت و به چه اندازه پایدار است. ۳) همبستگی؛ میزان همبستگی بین دولت و بخش خصوصی در اداره این صندوق‌ها. یعنی ما در زمانی که حقوق بازنشستگی ما کفایت زندگی را نمی‌دهد، صندوق‌های بازنشستگی‌مان از حالت تعادل خارج شده‌اند و ناپایدارند. من این حرف‌ها را بارها در دولت، مجلس و کمیسیون دولت به انجای مختلف در مصاحبه‌های مختلف زده‌ام. اما متأسفانه عده‌ای با پشت‌گوش انداختن مشکل به این خاطر که ممکن است تبعاتی در پی داشته باشد، تنها موجب پاک شدن صورت مسئله می‌شوند. در همین دولت فعلی، تمام پیشنهادهایی که کمیسیون مربوط به سازمان تأمین اجتماعی تهیه و از طرف سازمان برنامه تکمیل شده بود، وقتی وارد لایحه شد و به مجلس فرستاده شد، تماماً حذف شد. من به یاد دارم که ما از شروع برنامه سوم این صحبت‌ها را مطرح می‌کردیم، نامه‌های مکرر به رئیس‌جمهور می‌نوشتیم، اما هیچ‌کس بالاخص مسئولان تأمین اجتماعی و مسئولان صندوق‌ها به این مسئله توجهی نشان نمی‌دادند. مسئولان صندوق‌ها با حمایت از وضعیت صندوق‌ها تنها باعث تشدید بحران در این صندوق‌ها شدند. زمانی در مجلس طرح دادند که سابقه خدمت کارمندان تأمین اجتماعی از ۳۵ سال به ۳۰ تغییر کند مشابه وضعیت سایر کارمندان. این بدان معنا بود که کارمندان تأمین اجتماعی پنج سال کمتر ۳۰ درصد از حقوق خود را به عنوان کسورات پرداخت می‌کردند؛ اما در مقابل، تأمین اجتماعی موظف بود پنج سال بیشتر صددرد حقوق به آنها در زمان بازنشستگی پرداخت کند. در همان زمان رئیس وقت صندوق در مجلس با چنین طرحی موافقت کرد که این بزرگ‌ترین ضربه را به صندوق‌ها در آن زمان وارد کرد. اگر نظام به بحران موجود در صندوق‌ها نپردازد و حساسیت لازم را به خرج ندهد، در آینده‌ای نه‌چندان دور مشکلاتی نظیر مشکل صندوق فولاد دامنگیر تمامی صندوق‌های ما می‌شود. مشکلات موجود در صندوق‌ها را باید با علم، با به‌کارگیری نرم‌افزارهای فنی و از طریق درست آن حل کرد. در حال حاضر کار به جایی رسیده است که ما حتی با تزریق بی‌رویه پول به صندوق‌ها هم نمی‌توانیم مشکل آنها را حل کنیم. یکی از بحث‌هایی که در حال حاضر در تأمین اجتماعی وجود دارد، عدم تطابق میانگین سن بازنشستگی در کشور ما با سایر کشورهای دنیاست. در کشور ما میانگین سن بازنشستگی ۵۱ سال است؛ در حالی که این رقم در سایر کشورها ۶۶ سال است. یعنی در سایر کشورها کارمندان ۱۴ سال بیشتر نسبت به کشور ما به صندوق‌ها کسورات پرداخت می‌کنند.